

## کلید حل مسائل خصوصی سازی خارج از محیط اقتصاد است

مهدی پازوکی



اگر قرار باشد بنگاه‌ها و شرکت‌ها را از دست دولتی‌ها بگیریم و دست نهادهای شبه‌دولتی بدهیم، نتیجه همین وضع آشفته امروز می‌شود. کارایی پایین اقتصاد و عدم سرمایه‌گذاری کافی در بعضی بخش‌ها اقتصادی. حدود ۱۵ سال پیش که اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ در اقتصاد ایران جدی شد، فعالان اقتصادی بخش خصوصی امیدوار شدند تا اقتصاد دولتی جای خود را به اقتصاد رقابتی و خصوصی بدهد. آن زمان واگذاری اموال دولتی به بخش خصوصی، روزه امید برای راهی اقتصاد، از سلطه دولت بود؛ اما زمان اجرا که فرا رسید، چنین نشد؛ چراکه دولت با رویه غیررقابتی، چنان عرصه فعالیت را بر بخش خصوصی تنگ کرد که بعد از گذشت سال‌ها، می‌گویند هیچ‌کس از روند خصوصی سازی در ایران راضی نیست. چرا خصوصی سازی و آزادسازی اقتصاد در ایران، به آن نتیجه مطلوب نرسید؟ یک اقتصاددان در پاسخ به این سؤال می‌گوید: بخش قابل ملاحظه‌ای از اقتصاددانان ایران، موافق خصوصی سازی هستند و دولت هم از شوره کار در سال ۱۳۹۲ موافق خصوصی سازی بود اما روندی که خصوصی سازی در دولت‌های نهم و دهم پیدا کرده، آن چیزی نبود که انتظار می‌رفت. با آن نوع خصوصی سازی نه تنها بخش خصوصی بزرگ تر نشد بلکه بخش دیگری با عنوان خصوصی‌ها به اقتصاد اضافه شدند. اگر قرار باشد بنگاه‌ها و شرکت‌ها را از دست دولتی‌ها بگیریم و دست نهادهای شبه‌دولتی بدهیم، نتیجه همین وضع آشفته امروز می‌شود: کارایی پایین اقتصاد و عدم سرمایه‌گذاری کافی در بعضی بخش‌ها اقتصادی. از شروع خصوصی سازی در ایران (۱۳۶۸)، حدود سه دهه می‌گذرد.

ادامه در صفحه ۲

بررسی «اقتصادسرآمد» از کاهش سرانه مصرف گوشت گوسفندی به ۴ کیلوگرم  
حذف تدریجی گوشت  
از سبد غذایی مردم

گزارش «اقتصادسرآمد» از روند بی رویه مصرف برق در ایران  
در مقایسه با آمارهای جهانی

برق از سر برق پرید!

کند و کاو «اقتصادسرآمد» از جایگزینی کسری بودجه با روش‌های مختلف  
دولت کسری بودجه را چگونه  
جبران کند؟



گزارش «اقتصادسرآمد» از مصوبات کاغذی که دردی را درمان نمی‌کند

# کرونا ی سرکش با مصوبه رام نمی‌شود

«میزان مرگ و میر کرونا در ایران روی عدد ۴۰۰ می‌چرخد آخرین مصوبه ستاد ملی مبارزه با کرونا محدودیت فعالیت اصناف پایتخت که بیشترین میزان مرگ و میر، کلاتشهرها را به خود اختصاص داده که به نظر می‌رسد نتیجه مطلوبی به دنبال ندارد

بررسی راهکارهای عبور تهران از بحران‌های احتمالی در کند و کاو «اقتصادسرآمد»

## راه نجات پایتخت، ساماندهی یا انتقال؟

## سبک جدید زندگی در شرایط کرونا را بپذیریم

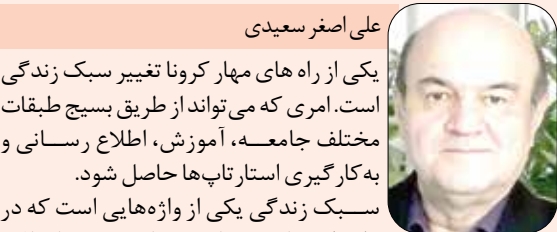
وجود داشت. بهداشت، غذا، دکوراسیون، استفاده از فضای مجازی و حتی معماری خانه‌ها کاملاً نشان از یک سبک زندگی خانه محور برای این دسته از افراد است. هر چند بسیاری از افراد این طبقات در مجتمع‌های آپارتمانی سکونت دارند اما باید گفت که سبک‌های زندگی خاصی در این خانه‌ها وجود دارد که حاکی از اهمیت امر خانه برای آنها است. حتی وقتی این گروه از جامعه در دوران کرونا به مسافرت هم بروند باز از تردهای بی‌مورد خودداری می‌کنند و زمان طولانی را به استراحت در ویلا یا خانه مسکونی خود اختصاص می‌دهند.

در دوران کرونا بیشتر سبک زندگی افرادی تغییر می‌کند که از درآمد کافی، کار و خانه مناسبی برخوردار نیستند. این افراد به شدت تحت تأثیر کرونا و تبعات آن هستند و از این رو باید زمان بیشتری برای آموزش به این طبقات و گروه‌ها اختصاص داد. متأسفانه در بحث از آگاهی رسانی و آموزش، صدا و سیما به عنوان یک عامل مشترک بین طبقات و گروه‌های مختلف جامعه، موثر عمل نکرده و لازم است اقدامات متنوع‌تر و بیشتری صورت گیرد.

معمولاً جوانان یکی از عوامل انتقال کرونا هستند. آنها به دلیل سبک زندگی خاص خود و گذراندن بسیاری از اوقاتشان با همسالان و دوستانشان بیشتر مستعد بیماری و انتقال آن هستند. از طرفی به لحاظ جامعه شناختی یک انقطاع نسلی بین آنها و بزرگسالان وجود دارد به این معنا که آنها زیاد به فکر خانواده و والدین خود نیستند، از این رو آموزش و اطلاع رسانی به این گروه از جمعیت می‌تواند در پیشگیری از کرونا موثر واقع شود. راه‌حل دیگر استفاده از بسیج طبقات مختلف جامعه است. تقریباً مشخص است که اقشار کم درآمد در کدام مناطق شهرها سکونت دارند؛ لذا از طریق بسیج مناطق، می‌توان آموزش‌هایی به آنها داد. اما این نکته که بخواهیم آنها «سبک زندگی خانه محور» را انتخاب کنند، قطعاً و طبیعتاً بدون کمک‌های دولت ناشدنی است.

از طرفی می‌توان از تجارب کشورهای دیگر نیز در این زمینه بهره گرفت. برای مثال یکی از راه‌های کنترل کرونا استفاده نکردن از وسایل نقلیه عمومی است. تاکنون ۲۰ یا ۳۰ درصد از افراد به دلیل استفاده از وسایل نقلیه عمومی نظیر اتوبوس یا مترو به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. در این مورد تجربه کشور انگلستان نشان می‌دهد استفاده از دوچرخه هم می‌تواند خطر سرایت کرونا را کاهش دهد و هم اینکه از آلودگی هوا جلوگیری کند. این کشور برای ترغیب مردم به دوچرخه سواری مبلغی حدود ۵۰ پوند برای تعمیر دوچرخه‌های خراب اختصاص داده تا بدین شکل آنها را به استفاده از این وسیله ترغیب کند.

همچنین بهره‌گیری از استارت‌آپ‌ها نیز پیشنهاد دیگری است که می‌تواند از سرایت بسیار این بیماری جلوگیری کند. امری که به تازگی رونق بسیار یافته است. \* عضو هیات علمی دانشگاه تهران



علی اصغر سعیدی

یکی از راه‌های مهار کرونا تغییر سبک زندگی است. امری که می‌تواند از طریق بسیج طبقات مختلف جامعه، آموزش، اطلاع رسانی و به کارگیری استارت‌آپ‌ها حاصل شود. سبک زندگی یکی از واژه‌هایی است که در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی بسیار یافت می‌شود و منظور از آن روش زندگی افراد است. طی سال‌های متعددی انسان‌ها همواره کوشیده‌اند روش زندگی خود را بشناسند و آن را مدیریت کنند و حتی دولت‌ها گاهی تلاش کرده‌اند بر این سبک‌های زندگی تأثیر بگذارند. اخیراً نیز شیوع کرونا در کشورهای مختلف سبب شده موضوع سبک زندگی و تغییر آن اهمیت یابد؛ زیرا عدم هماهنگی سبک زندگی پیشین با شرایط جدید و نیز عدم رعایت برخی نکات بهداشتی ممکن است باعث شود عوامل بیماری‌زا تشدید شده و پیامدهای ناخوشایندی برای افراد جامعه رقم بخورد.

کرونا یک پدیده همه‌گیر یا اپیدمیک است که همه طبقات و گروه‌ها اعم از طبقات ضعیف و ثروتمند را درگیر کرده است. به این معنا که تمام دهک‌های درآمدی با تعلقات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مختلف تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. لذا تمامی مردم موظف هستند تا زمانیکه واکسن برای این ویروس ساخته شود، با سیاست‌ها و پروتکل‌های موجود که دولت ارائه می‌کند، همکاری کنند. هر چند بسیاری از تاریخ‌دانان ما را با پدیده‌های اپیدمیکی مانند وبا در دوران گذشته آشنا کرده‌اند؛ اما کرونا با بسیاری از پدیده‌ها نظیر وبا متفاوت است؛ زیرا در دنیای مدرن، انسان و زندگی وی دستخوش تغییرات اساسی شده است. برای مثال هر چند در دنیای امروز هم ممکن است وبا شایع شود اما نوع برخورد و مواجهه انسان‌ها با این بیماری قطعاً با نوع مواجهه آنها در گذشته متفاوت است.

کرونا تقریباً شبیه یک زلزله مداوم است که نیاز دارد دولت، مردم و سازمان‌های بهداشت جهانی با یکدیگر بسیج شوند. حتی در مواردی این چنینی نیاز به همکاری کشورها و دولت‌های مختلف نیز بیش از پیش احساس می‌شود. برای مثال بستن مرزها و امور مربوط بدان از مسائلی است که همواره نیازمند همکاری جوامع مختلف است. بنابراین نمی‌توان همه مسوولیت‌ها را صرفاً بر عهده یکی از نهادها، دولت و یا حتی مردم انداخت.

جامعه به اقشار مختلف با سطح سواد و جایگاه اجتماعی متفاوت تقسیم شده است و طبیعتاً نمی‌توان یک برنامه یکسان و واحد را برای همه مردم اجرا کرد. در این میان گروه‌های متوسط معمولاً خود را سریعتر با برنامه‌های کنترل کرونا هماهنگ کرده و می‌کنند؛ زیرا اساساً سبک زندگی آنها دستخوش تغییر چندانی نشده است و از قبل از کرونا هم یک سبک زندگی خانه محور برای این اقشار

## هنجار شکن رفت!

بشیر اسماعیلی



تا رسیدن به نقطه‌ای که آمریکا به یک بازیگر بی‌درد سر و تعامل پذیر برای جهان تبدیل شود، راه درازی مانده است. این مهم با رفتن ترامپ و آمدن بایدن باین محقق نخواهد شد. اگر چه شاید روزه‌های باریکی بوجود آید و جهان از آنها بهره ببرد، اما تحول بنیادین شاید به این زودی‌ها میسر نشود هوداست که در دنیا بسیاری از این اتفاق خرسند هستند؛ حتی اتحادیه اروپا هم که متحد دیرین آمریکاست، در دوران ترامپ دچار اختلاف نظرات عمیق اقتصادی با ایالات متحده بود و در ژاپن و حتی کانادا هم شرایطی مشابه اروپا وجود داشت. طرفداران صلح، محیط زیست، اخلاق، حقوق و سازمان‌های بین‌المللی هم از رفتن ترامپ بسیار رضایتمند هستند. اما بعد از این ماجرا، برای عدم ذوق زدگی بسیاری دیگر در جهان هم عواملی وجود دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. عواملی که با وجود تغییر افراد در آمریکا، همچنان پایدار هستند و کماکان برای دنیا از جانب آمریکا در دسر ایجاد خواهند کرد.

اینک، به مدد اتحاد طبقه متوسط در آمریکا و فعالیت رسانه‌های عمدتاً مخالف ترامپ در این کشور، دوران چهار ساله ریاست جمهوری دونالد ترامپ، این فرد نامتعارف و عجیب هم تمام شد و کار به دور دوم نرسید.

هوداست که در دنیا بسیاری از این اتفاق خرسند هستند؛ حتی اتحادیه اروپا هم که متحد دیرین آمریکاست، در دوران ترامپ دچار اختلاف نظرات عمیق اقتصادی با ایالات متحده آمریکا شده بود و در ژاپن و حتی کانادا هم شرایطی مشابه اروپا وجود داشت. طرفداران صلح، محیط زیست، اخلاق، حقوق و سازمان‌های بین‌المللی هم از رفتن ترامپ بسیار رضایتمند هستند. اما بعد از این ماجرا، برای عدم ذوق زدگی بسیاری دیگر در جهان هم عواملی وجود دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. در ذیل به دلایل ساختاری اشاره می‌شود که با وجود تغییر افراد در آمریکا، همچنان پایدار هستند و کماکان برای دنیا از جانب آمریکا در دسر ایجاد خواهند کرد.

۱. هژمونی دلار: توضیح اینکه آمریکا بعد از دهه هفتاد میلادی چگونه پشوانه دلار را از طلا به هیچ تغییر داد و دنیا هم با این مسأله بناچار تطبیق پیدا کرد طولانی است. اما در حال حاضر به برکت اینکه دلار ارز بین‌المللی به حساب می‌آید، آمریکا تنها کشوری است که می‌تواند تورم خود ناشی از تولید پول بی‌پشتوانه را از داخل کشور به خارج از آن و برگرده اقتصاد جهانی انتقال دهد. ضمن اینکه آمریکایی‌ها عملاً در قبال خرید کالا از کشورهای سخت‌کوشی مثل آلمان، چین و ژاپن عملاً دلار خلق شده از «هیچ» را به آنها می‌دهند. اما چرا کشور‌های جهان زیر بار سلطه دلار رفته‌اند؟ علت اصلی در تضمین مبادله نفت با دلار است. ارتش آمریکا در دنیا به یک تعبیر، این مبادله را تضمین می‌کند. بنابراین فروش نفت به دلار، پشتوانه

جدیدی را بر مبنای زور برای دلار به وجود آورده است که بهای آن را اقتصاد جهانی می‌پردازد. در آمریکا، بایدن که هیچ، اگر مارتین لوتر کینگ هم زنده می‌شد و به ریاست جمهوری می‌رسید، اجازه خاتمه دادن به این امپریالیسم گسترده اقتصادی را پیدا نمی‌کرد. ریشه بسیاری از سیاست‌های استثماری آمریکا در جهان را باید نشأت گرفته از هژمونی دلار تلقی کرد که بخاطر منافع کلان مالی برای آمریکا از آن دست نخواهد شست. ۲. نظم نوین جهانی: پس از فروپاشی شوروی، جورج بوش پدر نظریه نظم نوین جهانی را مطرح کرد. به طور خلاصه این نظریه معتقد بود حالا که رقیب اصلی آمریکا از میدان به در شده، ایالات متحده مدیریت واحد جهان را بر عهده گرفته است. بنابراین آمریکا رهبر جهان است و بقیه کشورها پیرو و زیر دست آن خواهند بود. چنین اعتقادی در حاکمیت آمریکا هرگز بعد از بوش، سوازی اینکه چه حزب یا شخصی به کاخ سفید آمده باشد، کم‌رنگ نشده است. با چنین تلقی و طرز فکری، آمریکا اساساً کشورهایی که برای خود جایگاهی در نظام بین‌الملل قابل هستند را به چالش می‌کشد. چین، روسیه، اتحادیه اروپا همگی قدرت‌های نوظهوری هستند که آمریکا استقلال رای آنها را با استناد به حق رهبری واحد خودش در جهان زیر سؤال می‌برد. در مقیاس کوچک‌تر کشورهایایی مثل ایران که در منطقه خود مستقل عمل می‌کنند یا صاحب نفوذند، از دیدگاه آمریکا باغی و شرور به حساب می‌آیند، چرا که آنها از زیر چتر قدرت هژمونیک بیرون آمده‌اند و به زعم آمریکا، خودسر شده‌اند. در چنین وضعیتی، باید نسبت به طرز تلقی آمریکا درباره جهان تغییر حاصل شود تا تفاوت بوجود آید. اگر بایدن بپذیرد دنیا چند قطبی شده و تکت در قدرت جهانی جای یکجانبه گرایی آمریکا را گرفته، می‌توان به آینده همگرایی در جهان امیدوار بود و گر نه در صورت ادامه راه قبلی، در همچنان هم بر همان پاشنه خواهد چرخید.

۳. لابی‌ها: لابی‌های تأثیرگذار بر قدرت در آمریکا، خیلی وقت‌ها راهبردهای خارجی این کشور را جهت داده‌اند. در دوران ترامپ اتاق‌های فکری وابسته به صهیونیسم، بسیاری از سیاست‌های این کشور به ویژه در غرب آسیا را پیش بردند. در عین حال سعودی‌ها سرمایه‌گذاری کلانی در بخش‌های اقتصادی آمریکا کرده‌اند که از آن به عنوان اهرم فشار و نفوذ بر کاخ سفید بهره می‌برند. به اینها باید صاحبان صنایع فولاد، شرکت‌های چند ملیتی، کمپانی‌های نفتی، کارتل‌های اسلحه‌سازی و تجار ذی نفوذ را هم اضافه کرد که هر کدام مجاری نفوذ خود را در سیاست آمریکا دارند.

به هر روی تا رسیدن به نقطه‌ای که آمریکا به یک بازیگر بی‌درد سر و تعامل پذیر برای جهان تبدیل شود، راه درازی مانده است. این مهم با رفتن ترامپ و آمدن بایدن محقق نخواهد شد. اگر چه شاید روزه‌های باریکی بوجود آید و جهان از آنها بهره ببرد، اما تحول بنیادین شاید به این زودی‌ها میسر نشود. \* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی